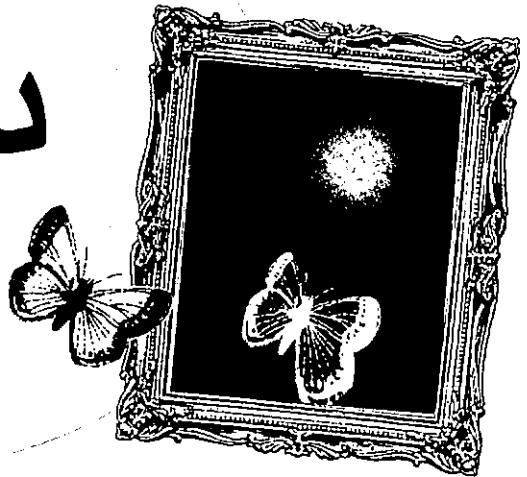


در آینه

عالمی داشت...



• علی فرخ مهر

ادبیات را هم خیلی خوب و هنرمندانه درس بدهند! بعدها در موسم دانشگاه، دیدار و آشنایی با استاد پرویز شهریاری، به من ثابت کرد که معلمان ریاضی آشنا با دنیای وسیع و لطیف ادبیات، خیلی بهتر می‌توانند موفق شوند و در دلها رخنه و نفوذ کنند!

لحظه‌های درس و کلاس استاد پرویز شهریاری، عالمی داشت. می‌خواهم بروم سراغ معلمان ریاضی که به خود دیده‌ام! و امروز در گوشه و کنار ایران، کار می‌کنند و زحمت می‌کشند، و خدمت به بچه‌ها.

از آن معلم خوب همدانی که به ما مباحثه و مشارکت و تنزیل و رفع و تجنیس درس می‌داد، تا آن معلم زحمتکش اما تندخوی آذربایجانی که گاهی بعضی از بچه‌ها را می‌بست به مشت و لگد! با آن چشمهای زاغ و چهره گلگون و پر خون! به لطف خدا می‌خواهم طوری بگویم و به گونه‌ای که بچه‌ها قدر معلمان خوب خود را بدانند و معلمان عزیز و گرانمایه ریاضی، بر ارزشهای خود واقفتر شوند. روشمندی و توانمندی معلم در تدریس یک طرف، و سوی دیگر، هنر رخنه و نفوذ او به دلها به خاطر سنازندگی و پرورش آدمهای نیکو.

عالمی دارد سرکشی به دنیای بچه‌های کلاس! عالمی دارد بررسی و واریسی ریشه‌ها. عالمی دارد تماشای رخسار دانش‌آموز

انسان‌نویس کلاسها بودم. در آبادان داغ و پرشور، با آن مدرسه‌های خوب و منظم، فقط به خاطر زنگهای انشا درخشندگی داشتم و در زنگهای ریاضی، دست به عصا و آهسته و پیوسته و گاهی هر دو پا در گل!

معلمان ریاضی که به خود دیدم، آقایان: ریاحی، بدیعی، مریمی، دیلمقانی، مختاری درخشان و عمیدی بودند. آقای هاشمی را هم فراموش نکنم که لاغر اندام بود و سفیدچهره، و موهای نرم قهوه‌ای شانه خورده. آذری و خیلی جدی! عبوس بودن و نظم او، کاری کرد که این من! از درس جبر بگیرم نمره نوزده! فقط به خاطر ترس از آبرو! فقط به خاطر حفظ آبرومندی!

کسی که در زنگهای انشا بچه‌ها برای او کف می‌زدند، البته که نباید در زنگ جبر یا مثلثات، خراب می‌کرد!

کسی که بارها مورد تشویق آقایان اسدی لاری، سیدرضا طباطبایی، فیلی شیرازی و جوان قرار می‌گرفت، نمی‌باید در زنگهای ریاضی، آبروریزی می‌کرد! در حد توان سعی خودم را می‌کردم. اما ادبیات و زنگهای انشا، عالمی داشت! زیبا، دلریا و مثل باغ هزار نقش!

آشنایی با آقای علی عمیدی^۱ و آقای علی مختاری درخشان، کاری کرد که بدانم خیلی از معلمان ریاضی، «ادبیات» را هم دوست دارند و با آن کلام خوش و لحن زیبا و ذوق لطیف، می‌توانند



ادب ریاضی

و معلم، در آینه! آن هم دانش آموز ریاضی خوان و معلم ریاضیدان! آن هم گفت و گو در باب معلمان ریاضی که در طبقه بندی ذهن بچه ها صدر نشین اند! که دلم می خواهد صدر نشینند و «قدر» بینند. که دلمان می خواهد، فکر بچه ها را به «تعادل»، به «پویندگی» به «هدفداری» و «آزادگی» عادت دهند.

مبنا و القیای زندگی را معلمان ریاضی، خیلی خوب و دقیق می دانند و می شناسند. ذهن محاسبه گر و نکته سنج آنها، مو را از ماست بیرون می کشد. بایی که به بهانه در آینه - در برهان - گشوده خواهد شد، محض خاطر گسترده سفره پند و اندرز نیست؛ به خاطر نگاه به آینه است برای خود شکستن و نه آینه را شکستن! هرگز نشود به وصل مغرور هر دیده که در فراق بیناست*

یادداشتها:

۱. زنده یاد دکتر حسن اسدی لاری که در زمان وزارت آقای دکتر اکرمی، معاونت پارلمانی وزارت آموزش و پرورش را عهده دار بود.
 ۲. دکتر علی عمیدی، که آن سالهای دور، از معلمان موفق و سرشناس ریاضی در آبادان بود.
- * سنایی

«ابن بنّا»ی مراکشی، ریاضیدان و ستاره شناس مراکشی، متولد سال ۶۵۴ هجری در مراکش. وی پس از فراگرفتن صرف و نحو، حدیث، فقه و ریاضیات به تدریس ریاضیات و هشت پرداخت. ابن بنّا دانشمندی جامع بود و در رشته های گوناگون دانش دست داشت. در بیان علوم به زبان ساده مهارت داشت و از اجلّه محاسبان با ارقام بود. دانشمندی بود باوقار، نیک نفس و پاکیزه خو.

ابن بنّا در ۵ رجب ۷۲۱ هجری در مراکش درگذشت. پس از مرگ وی، زمانی نگذشت که افسانه هایی درباره اش ساخته شد. مردم او را به منزله ساحری شمردند که با به کار بردن معلومات خود در سحر و ساحری، می توانسته اعجاز کند. اثر مهم وی، تلخیص «اعمال الحساب» از مشهورترین کتابهای ریاضی در کشورهای اسلامی است که بیش از دو قرن مورد استفاده دانشجویان این علم بوده است.

